

چکیده

ارزشها همیشه جزء لاینفکی از زندگی بشر بوده است و مدیریت بر سازمان ها نیز متأثر از فرهنگ و ارزش های حاکم بر جامعه ای است که مدیریت در آن صورت می پذیرد.

نظام ارزشی جوامع مختلف دارای وجوه اشتراک و وجوه افتراقی است. نظام ارزشی حاکم بر مدیریت متعارف متأثر از نظام لیبرال دموکراسی و اومانیسیم است، در حالیکه نظام ارزشی اسلامی حاکم بر جامعه اسلامی متأثر از فطرت توحیدی و آموزه های وحیانی است.

این مقاله به دنبال تبیین نقش ارزشهای اسلامی در فعالیت های مدیریتی و احصای بخشی از بایدها و نبایدهای متأثر از نظام ارزش های اسلامی برای مدیریت سازمان ها در جمهوری اسلامی ایران است.

در این مقاله ما مصادیق اصول ارزش های بنیادینی چون: ایمان و غیب محوری، آگاهی و بصیرت، صداقت و عمل صالح، تعاون، همکاری و مشارکت، قسط و عدل، رعایت عهد و امانت، عظمت و اقتدار، برادری و اخوت، توازن و اعتدال، رعایت مصالح و اولویت ها، حفظ نظام اسلامی، فطرت و کرامت انسانی را برای فعالیت های مدیریتی چون برنامه ریزی مانند تعیین ارزش های اساسی، ترسیم چشم انداز آرمانی و مطلوب، تدوین رسالت و اهداف عالی، ارزیابی نقاط قوت و ضعف، ارزیابی فرصت ها و تهدیدات، طراحی استراتژی، برنامه ریزی بلندمدت تا کوتاه مدت؛ فراهم کردن زمینه پیاده سازی شامل: سازماندهی، و تقسیم کار، تامین و تخصیص منابع، ارزیابی قبل از اجرا؛ و پیاده سازی و نظارت بر حسن اجرا شامل: هدایت و رهبری، مدیریت اجرایی، نظارت و ارزیابی و کنترل، احصا نموده ایم تا بخشی از بایدها و نبایدهای متأثر از ارزش های اسلامی در عرصه مدیریت معرفی و مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه:

مدیریت ارزشی، ارزشهای اسلامی، وظایف مدیران، مدیریت اسلامی، سازمان های جمهوری اسلامی.

مقدمه

جایگاه ارزشها در مدیریت از جمله موارد مهمی است که همواره مورد بحث صاحب نظران بوده است. مدیریت، فراگرد به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی، بر مبنای یک نظام ارزشی پذیرفته شده است که از طریق برنامه ریزی، سازمان دهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل عملیات برای دستیابی به اهداف تعیین شده صورت می گیرد. (رضائیان، ۱۳۸۶). از سویی مدیریت بر فعالیت هایی هدفدار تمرکز دارد (کارلیسل^۱، ۱۹۷۶) و از سوی دیگر متأثر از نظام ارزشی حاکم بر سازمان می باشد. میزان موفقیت در به کارگیری شیوه های رهبری و مدیریت، تحت تأثیر ارزش های حاکم بر بافت فرهنگی جامعه قرار دارد. در واقع هر جامعه معین، فراخور ماهیت عناصر تشکیل دهنده آن، از نظام ارزشی خاصی برخوردار است.

در فرهنگ جوامع سرمایه داری، سلطه و حاکمیت با مفاهیم و باورهای اومانستی است. آنان به دلیل عدم آشنایی با مکاتب

تبیین نقش ارزشهای اسلامی در احصای بخشی از بایدها و نبایدهای تحقق وظایف مدیریتی در سطح سازمان

دکتر علیرضا علی احمدی (نویسنده مسئول)

استاد دانشکده مهندسی پیشرفت، دانشگاه علم
و صنعت ایران

دکتر حسین علی احمدی

استادیار دانشگاه علم و صنعت

یاسر پورداور

دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی دانشگاه
پیام نور



وحی، تصویری از انسان در ذهن دارند که هاله‌ای از توهمات بشری آن را فراگرفته است. در واقع در نظریه‌های انسان‌شناسی غربی، انسان، موجودی مجهول الهویه است و لذا فرهنگ غرب با نوعی نسبیت در مفاهیم ارزشی مواجه گشته است. یعنی باورهای جوامع مذکور در مورد میزان و ماهیت ارزشی پدیده‌ها، تابعی از وضعیت زمان و مکان می‌باشد و به این ترتیب قدرت محوری در ارزش‌گذاری را به قدرت‌های غیر الهی مسلط بر جوامع خود واگذار کرده‌اند و تحول ارزش‌ها در جهت منافع این قدرت‌ها شکل می‌گیرد.

فلاسفه مسلمان معاصر نیز به مفهوم ارزش پرداخته‌اند. از جمله علامه طباطبائی هم در کتاب اصول و روش رئالیسم و هم در تفسیر المیزان به این مفهوم پرداخته‌اند. در این زمینه ایشان اشاره می‌کنند که ذهن در تماس با نیازها و خواست‌ها و یا عاریت گرفتن از مفاهیم حقیقی و اعتباری، احکام و مفاهیمی عملی را تولید می‌نماید که قادر است بر اساس آن به صلاح و کمال دعوت نماید و به خوبی و بدی امور حکم کند (علامه طباطبائی، ۱۳۷۲). ایشان معتقدند، "ارزش‌ها به شکل مفهومی مطلق هستند و در صورت مصداقی نسبی، یعنی حسن و قبح به طور مطلق در خارج یافت نمی‌شود." (طباطبائی، ۱۳۷۲)

۱. ارزش، تعریف، اهمیت و معیارها

از ارزش در زبان انگلیسی به معنای رتبه، قدر و گرمی داشتن یاد می‌گردد و در زبان فرانسه به «velour» و در زبان عربی به آن «القیمة» گفته می‌شود. در اصطلاح جامعه‌شناسی، «social Norms» یا «social values» عبارت از چیزی است که مورد پذیرش همگان است. (علی احمدی، ۱۳۸۲: ۲) ارزش در فرهنگ وبستر به عنوان یک اصل، استاندارد یا کیفیتی ذاتاً آرمانی تعریف می‌شود.

در فرهنگ فلسفی «لاند» چهار مفهوم برای ارزش ارائه شده است؛ اول ارزش به عنوان چیزی که فرد یا گروهی به آن علاقه دارند. دوم چیزی که کم و بیش در میان عده‌ای مورد توجه و احترام است. سوم وقتی که فرد یا گروهی در رسیدن به هدف خود ارضا می‌شود و چهارم از جنبه اقتصادی که ارزش کالاها و عمل مطرح است. در این تعریف بعد اول به درجه تعلق ارزشی، بعد دوم به ارزش ذاتی، بعد سوم ارزش کارکردی و بعد چهارم به ارزش مبادله‌ای ناظر است.

ارزش گاه در غالب یک هدف، گاه رسیدن به هدف و بها دادن به یک موضوع مطرح می‌شود. گونه‌های بسیاری از ارزش‌ها قابل شناسایی و تشخیص می‌باشند، از جمله ارزش‌های اقتصادی، اخلاقی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی و دینی.

آنچه نوع و میزان و مرتبت ارزش‌ها را تحقق می‌بخشد فرهنگ است. فرهنگ به ارزش‌ها هویت می‌بخشد. به عبارت دیگر، معیار ارزش‌ها از طریق فرهنگ شناسایی می‌شود. در واقع ارزش‌ها موجب شناخت و تفاوت فرهنگ‌ها می‌شوند. بی‌گمان، محوری‌ترین عنصر فرهنگ ارزش‌ها می‌باشند. وقتی که از سبک‌های مدیریت آمریکایی، ژاپنی و ... سخن به میان می‌آید، عنصر اصلی تمایز بخش، ارزش‌ها می‌باشند.

ارزش‌ها ضوابط اخلاقی و بایدهایی هستند که در هر گروه اجتماعی مؤثرند و با شدت و ضعف رفتار گروه و اعضایش، یعنی آنچه را که آن‌ها انجام داده یا فرومی‌گذارند در ارتباط مستقیم است و برای گروه وحدت درونی را ایجاد می‌کند.

ارزش باوری جاری است که باعث می‌شود سبک خاص رفتاری چه از سوی افراد و چه از سوی جامعه، نسبت به سبک رفتاری معکوس و متضاد آن ترجیح داده شود. ارزش‌ها، همان باورها و مفاهیمی هستند که به دلیل جایگاه و اعتبار ویژه، قابل معامله و مصالحه نیستند. (حسن بیگی، ۱۳۹۰)



ارزش‌ها، مجموعه‌ای از باورها، اعتقادات و اصول کلی یکپارچه، منسجم، هدف دار و ثابت است که در ابعاد ساختاری، رفتاری، معنایی، محیطی (زمینه‌ای) و فرهنگی می‌کوشد تا با تقویت سرمایه اجتماعی، آحاد مردم و در نهایت جامعه را به تعالی سوق دهد (مبینی دهکردی و ربانی، ۱۳۹۱).

۱.۱.۱. اهمیت ارزش

امروزه جایگاه ارزش‌ها در مدیریت مبحثی بسیار محوری است که از سوی اندیشمندان و نظریه‌پردازان حوزه مدیریت مورد توجه قرار گرفته است. به دلیل افزایش اهمیت کاربردی ارزش‌ها و نقش آن‌ها در حوزه کسب‌وکار و بهره‌وری نیروی انسانی، بسیاری از مدیران موفق در عرصه جهانی، مبانی و ارزش‌های اخلاقی حرفه‌ای در حوزه مدیریت و رهبری را بسیار مورد توجه قرار داده‌اند. (حسن بیگی، ۱۳۹۰) ارزش‌ها منبع قدرت می‌باشند زیرا باعث ایجاد نیرو در افراد برای عمل می‌باشند. ارزش‌ها، انرژی‌دهنده، انگیزش بخش و الهام‌دهنده می‌باشند. (اسکات، ۱۳۸۶)

ارزش‌ها مبنایی برای درک نگرش‌ها و انگیزش‌ها می‌باشند و بر ادراک افراد تأثیر می‌گذارند. افراد با یک سری پیش‌فرض‌ها و بایدها و نبایدها وارد سازمان می‌شوند. البته این پیش‌فرض‌ها عاری از ارزش نیستند بلکه حاوی تعابیری از درست و نادرست می‌باشند. به‌علاوه آن‌ها بیان می‌کنند که برخی از رفتارها یا نتایج از برخی دیگر بهتر است. ارزش‌ها بر نگرش‌ها و رفتار نیز تأثیرگذارند (بارنت و کارسون^۲، ۱۹۸۷). مثلاً اگر فردی با این پیش‌فرض که پرداخت حقوق بر مبنای عملکرد درست و نه ارشذیت است وارد سازمانی شود و بعد بفهمد که پرداخت‌ها بر اساس ارشذیت می‌باشد عکس‌العملش چگونه خواهد بود؟ احتمالاً ناامید شده و این می‌تواند منجر به عدم رضایت شغلی او شود و یا تصمیم بگیرد کار و تلاش اضافی انجام ندهد.

۲.۱. ارزش‌های سازمانی و معیارهای شناخت آن

به‌طورکلی معیار شناسایی پایگاه نظام ارزشی افراد که بیان‌کننده رفتار برتر آنان می‌باشد از اطلاعاتی حاصل می‌شود که فرد به‌صورت فطری یا محیطی آن‌ها را کسب نموده است. در اصل شیوه‌ای که افراد یکدیگر را از منظر نظام ارزشی طبقه‌بندی می‌نمایند می‌تواند به‌عنوان مبنایی جهت درک تمایزات فردی آنان باشند. این ارزشیابی اگرچه برای کارکرد و شناخت فرد قابل‌اتکا می‌باشد، می‌تواند به‌عنوان ابزاری جهت سنجش تعهد سازمانی و وابستگی شغلی نیز به کار گرفته شود.

ارزش‌ها معیارهایی هستند که به سازمان معنی می‌دهند. ارزش‌هایی که در حیطه سازمانی هستند با مشخصات زیر شناخته می‌شوند (نیک گهر، ۱۳۸۳):

۱. ارزش‌ها میان عموم افراد مشترک می‌باشند و افراد زیادی درباره اهمیت آن‌ها به توافق رسیده‌اند (وفاق سازمانی)
۲. ارزش‌ها به قضاوت شخصی افراد بستگی ندارد.
۳. ارزش‌ها با عواطف همراه می‌باشند، افراد برای صیانت از ارزش‌ها مبارزه می‌کنند و برای حفظ ارزش‌های والا از بذل جان و مال دریغ نمی‌ورزند.
۴. ارزش‌ها به وفاق میان افراد عمق می‌دهند.



ارزشها از دیدگاه مکاتب فلسفی، فکری و پارادایمها

ارزشها از دیدگاه مکاتب فلسفی

ارزشها از دیدگاه هریک از مکاتب فلسفی به تبیین موارد ذیل می پردازند (مبینی دهکردی و ربانی، ۱۳۹۱):

- اگزستانسیالیسم (اصالت وجود): کنارگذاشتن عقلانیت و شک کردن به هرچه شک پذیر است حتی به اصول اخلاق و ارزشها
- ایدئالیسم: ارزشها ذهنی بوده و تنها با سلوک عقل می توان به آن رسید.
- پراگماتیسم (عملگرایی) برای سطح ارزشها ثباتی قائل نمی باشند، زیرا ارزشهای حال در آینده صادق نیستند؛ ارزشها و عقاید نسبی هستند.
- رئالیسم (مکتب اصالت راهبردی): ارزشها خارج از ذهن انسان و عینی بوده و واقعیتی جدای از ذهن هستند.
- اسلام: اسلام برای ارزش اهمیت قائل است و نسبت به آن بی تفاوت نیست و برای ارزشها حد نصابی تعیین می کند.

ارزشها از دیدگاه مکاتب فکری

ارزشها از دیدگاه هریک از مکاتب فکری بدین شرح قابل تعریف می باشد (مبینی دهکردی و ربانی، ۱۳۹۱):

- **ذهنیت گرایی:** خوب ارزشمند فقط به معنای حالت ذهنی موجودات ذی شعور و برخوردار از قوه ادراک است.
- **عینیت گرایی:** ارزشها باید نسبتی با انسان داشته باشند، ولی وجودشان مستقل از ماست.
- **عقل گرایی نوکانتی:** فرض وجود ارزشها، مبتنی بر عقل عملی است.

ارزشها از دیدگاه پارادایمها

ارزشها از دیدگاه هریک از پارادایمها بدین شرح قابل تعریف می باشد (مبینی دهکردی و ربانی، ۱۳۹۱):

- **آیین گرا:** ارزشها با توجه به وابستگی و تعلق به یکی از ادیان عصر جدید مثل جان گرایی (اعتقاد به جان داشتن اشیا)، طبیعت گرایی، اعتقاد به عالم ارواح و دیگر پیامبران جدید
- **انسان گرا:** ارزشها بر حسب خودتحویلی، شفقت، صداقت و سایر واژه ها و عباراتی که بیانگر ارزش دادن به برقراری ارتباط با دیگران است.
- **پست مدرنیسم تایید گرا:** ارزشها با تعاریف آزاد و مسامحه درباره واژه هایی مانند عشق، احساس، خوب بودن و واژه های دیگری که بیانگر ارزش دادن به فرد است.
- **پست مدرنیسم شک گرا:** نگرش کاملاً منفی درباره ارزشها و احساس اینکه ارزشها ابزاری است برای رهبران که پیروان خویش یا مدیران زیردست را استثمار کنند.

ماهیت ارزشها در نگاه متفکران مسلمان

اگر دین را مجموعه ای از ارزشها، عقاید، سنتها، آداب و رسوم و جز آن که از طریق پیامبران از سوی خدا نازل شده است، بدانیم، می توان گفت که دین در تعیین هویت و به هم پیوستن یک گروه یا یک ملت نقش اساسی دارد. (رشاد، ۱۳۷۹)



علامه طباطبایی معتقدند "ارزش‌ها مستقل از بشر نیستند و موارد طفیلی احساساتی هستند که با قوای آدمی تناسب دارد." (طباطبایی، ۱۳۷۲)

ایشان معتقدند، "ارزش‌ها به شکل مفهومی مطلق هستند و در صورت مصداقی نسبی یعنی حسن و قبح به‌طور مطلق در خارج یافت نمی‌شود." (طباطبایی، ۱۳۷۲)

از دیدگاه شهید مطهری در اسلام ارزش‌ها به شکل ذاتی وجود دارد و انسان فطرتاً به دنبال آن است: "انسان فطرتاً جویای سعادت خویش است؛ از تصور وصول به سعادت غرق در مسرت می‌گردد و از فکر یک آینده‌ی شوم و مقرون به محرومیت، لرزه بر اندامش می‌افتد." (مطهری، ۱۳۷۴: ۴۵)

"زندگی سالم اجتماعی آن است که افراد قوانین و حدود و حقوق یکدیگر را محترم شمارند، عدالت را امری مقدس به حساب آورند، به یکدیگر مهر بورزند، هر یک برای دیگری آن را دوست بدارد که برای خود دوست می‌دارد و آن را نپسندد که برای خویش نمی‌پسندد." (مطهری، ۱۳۷۴: ۴۷)

آنگاه چنین نتیجه می‌گیرد:

"آن چیزی که بیش از هر چیز حق را محترم، عدالت را مقدس، دل‌ها را به یکدیگر مهربان و اعتماد متقابل را میان افراد برقرار می‌سازد،... و همه‌ی افراد را مانند اعضای یک پیکر به هم پیوند می‌دهد و متحد می‌کند، ایمان مذهبی است." (مطهری، ۱۳۷۴: ۴۸)

بنابراین ایشان معتقدند ارزش‌ها ذاتاً وجود دارند و بروز و ظهور آن‌ها در اجتماع است و عامل به هم پیوستگی جامعه هستند. اهمیت بیش‌ازحد مسئله ارزش‌ها سبب شده است که برخی از جامعه‌شناسان حتی با اعتقاد به اینکه ممکن است برخی باورهای دینی نادرست باشد و عملکردهای آن خطا آمیز باشند، در عین حال کارکردهای اجتماعی ارزشمندی دارند.

مصادیق اصول بنیادین ارزش‌های اسلامی و کاربرد آن در فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت راهبردی در سطح سازمانی

ارزش‌های اسلامی قابل بهره‌گیری برای فعالیت‌های مدیریتی در سطوح مختلف فراوان بوده و هر اصل نیز دارای مصادیق متعدد برای هر یک از وظایف و نقش‌های مدیریتی و اوصاف مدیران در جامعه اسلامی می‌باشد. ما در اینجا تعدادی از اصول بنیادین اسلام که برای سازمان‌ها و دست‌اندرکاران امور مدیریتی هدایت‌گر و راهنما می‌باشد را عرضه نموده و چگونگی تأثیرگذاری آن‌ها در فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت راهبردی را معرفی کرده و مصادیق آن‌ها را نشان داده ایم. لازم به یادآوری است نقش اصول ارزش‌های اسلامی با قواعد فقهی از جنبه‌های زیادی مشابه بوده و بعضی از مصادیق هر یک به‌جای یکدیگر نیز مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

از اندیشمندان صاحب صلاحیت انتظار داریم با حسن ظن خویش نتیجه این مطالعات را مورد بررسی دقیق قرار داده و در صورتی که مغایرتی با آموزه‌های اسلام ناب محمدی (ص) داشته باشند، ما را راهنمایی نموده تا مبدا غفلت و عدم فهم صحیح ما به حساب بدعت در دین گذاشته شود. (والعاقبه للمتقین)

بدیهی است که کاربرد اصول ارزش‌های اسلامی در برنامه‌ریزی و مدیریت محدود به اصول بررسی شده در جداول آتی نیست و مستلزم تتبع بیشتر برای ارائه سایر اصول و کاربردهای مدیریتی آن‌ها توسط اندیشمندان صاحب نظر می‌باشد.

اصول بنیادین ارزش‌های اسلامی در فعالیتهای مدیریتی



اصل ایمان و غیب محوری

اولین و اساسی ترین آموزه دین توحید و یکتا پرستی است که بازگشت همه تعالیم و فروعات نیز به آن است. از این رو قانونگذار اساسی نیز آن را به عنوان اولین رکن نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظامی مبتنی بر آموزه های دین اسلام عنوان کرده است.

توحید از ریشه (و ح د) به معنای ایمان به خداوند یکتایی است که هیچ شریکی برای او قابل تصور نیست. این مفهوم مهم ترین رکن دین اسلام است و اندیشمندان اسلامی آن را جوهره اصلی همه معارف قرآن کریم بیان کرده و گفته اند بازگشت همه این معارف به آن یک حقیقت عبارت است از توحید حق تعالی، البته توحیدی که یک حقیقت است و اسلام و قرآن معرفی کرده و آن این است که انسان معتقد باشد به اینکه خدای تعالی رب همه اشیاء عالم است و غیر از خدای تعالی در همه عالم، ربی وجود ندارد،

تجلی توحید در دو بعد فردی و اجتماعی قابل تصور است. در بعد فردی اصلی ترین تجلی توحید، توحید در عبادت و در بعد اجتماعی، اصلی ترین بعد آن توحید در حاکمیت و تشریح و اطاعت از خداوند متعال است. هر چند توحید در بعد فردی مقدمه تحقق توحید در عرصه اجتماعی است،

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضمن بیان توحید به عنوان اولین رکن نظام اسلامی چهار بُعد توحید یعنی، توحید در خالقیت توحید در تشریح، توحید در حاکمیت، توحید در اطاعت را با هم بیان کرده است.

با اعتقاد به خالقیت، اختصاص حاکمیت، تشریح و اطاعت به خداوند باید گفت الگوی حاکمیت در اسلام باید به نحوی تبیین شود که تمامی ابعاد توحید در همه عرصه های جامعه جاری و ساری باشد. هر یک از این اوصاف الهی نیز با اراده الهی به بندگان صالح او قابل تفویض است از این رو است که وقتی خداوند حکم و فرمان را که برای خودش به کار می برد برای جانشین خود نیز به کار می برد؛ او حق حاکمیت بر بندگان خدا پیدا می کند نه این که حق حکومت از جانب مردم به حاکم واگذار شده باشد

خلاصه اینکه اعتقاد به توحید با همه ابعاد آن امری کلیدی و پایه های در قانون اساسی جمهوری اسلامی است و ضروری است که هم در عرصه قانونگذاری و هم رویه عملی، حاکم بر همه تصمیم گیری ها باشد.

اصل بنیادین ایمان و غیب محوری خود شامل: اصل ایمان به غیب؛ اصل خدامحوری؛ اصل خدامحوری و خود کنترلی؛ اصل اخلاص و حسن نیت؛ اصل نصرت الهی؛ اصل شکر الهی؛ اصل ذکر الهی؛ اصل خدا محوری و توکل الهی؛ اصل تقدم معنویت بر مادیت؛ اصل آخرت گرایی؛ اصل خوش بینی و امید واری؛ و اصل صبر و بردباری. (علی احمدی و علی احمدی ۱۳۸۳: ۱۲۵).

اصل آگاهی و بصیرت (اصل علم و آگاهی و...)

در ساختار توسعه در اسلام، ایمان به عنوان زیربنا و علم و تجارت به عنوان ابزارهای آن خواهد بود. قانون اساسی به دنبال پایه ریزی نظامی پیشرفته و توسعه یافته است که از همه علوم و فنون روز بهره بگیرد و در مسیر توسعه خود همواره از اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بهره برده و به اصطلاح توسعه جامعه را بر پایه دین و فقاقت قرار دهد؛ چرا که اصول دین خاتم به کمک اجتهاد مستمر است که ضمانت اجرایی در عصر جدید و اقتضائات زمان و مکان پیدا می کند. همچنین نظام



جمهوری اسلامی در مسیر توسعه خود بر مبنای تعالیم دین از ستمگری به دیگران اجتناب خواهد نمود و به قیمت نابود کردن دیگران توسعه خود را تأمین نخواهد کرد. البته مورد ستم واقع نشدن راه تحقق اهداف نیست بلکه به جهت ارتباط معنایی که میان ستم نکردن و مورد ستم واقع نشدن وجود داشته است، قانون اساسی این دو را در کنار یکدیگر ذکر کرده است

اصل بنیادین آگاهی و بصیرت خود شامل: اصل تعقل و بصیرت؛ اصل شرح صدر؛ اصل عبرت آموزی؛ اصل مهارفرصتها؛ اصل دور اندیشی؛ اصل آینده نگری و تدبیر امور؛ اصل خلاقیت، ابتکار و نوآوری؛ اصل تعادل و جامع نگری. (علی احمدی و علی احمدی ۱۳۸۳: ۱۲۶).

اصل صداقت و عمل صالح و استقامت در پیاده‌سازی و عمل به آن

صداقت و راستی از خصوصیات عالی اخلاق انسانی است که در آموزه‌های اسلامی از زمینه‌های اساسی ارجمندی و نیک بختی انسان شناخته شده است. پیشوای صادقان و مولای متقیان، صداقت را ارجمندترین و والاترین صفت، معرفی کرده و از راستگویی به عنوان اساس هر نوع اصلاح فردی و اجتماعی نام برده است.

الصُّدْقُ صَلَاحُ كُلِّ شَيْءٍ رَاسِتْغُوبِي مَایه صلاح هر چیز است.

امام صادق (ع) به عبدالله بن ابی یعفور فرمود:

... نظر کن به جهتی که علی (ع) نزد پیامبر اکرم (ص) از آن موقعیت ویژه و جایگاه عظیم برخوردار گردید و به آن جهت پای بند باش! پس تحقیقا علی (ع) به سبب راستگویی و امانت داری نزد پیامبر (ص) به آن مقام والا دست یافت.

ژرفای سخن امام صادق (ع) آن گاه معلوم می‌گردد که موقعیت ویژه و جایگاه عظیم و منزلت بی بدیل حضرت امیر (ع) نزد پیامبر اکرم (ص) مورد توجه قرار گیرد؛ موقعیتی که هیچ یک از صحابه و مسلمانان از آن برخوردار نبوده اند. موقعیت ارجمند و منزلت شکوهمند و بی همتایی که پیامبر (ص) درباره آن می‌فرماید:

... وَإِنَّ اللَّهَ أَعْطَى مُوسَى الْعَصَاءَ، وَإِبْرَاهِيمَ بَرْدَ النَّارِ، وَعِيسَى الْكَلِمَاتِ يُحِبُّ بِهَا الْمَوْتَى وَأَعْطَانِي هَذَا عَلِيًّا وَلِكُلِّ نَبِيٍّ آيَةٌ وَهَذَا آيَةُ رَبِّي

... و خداوند به عنوان معجزه به موسی عصا و به ابراهیم خنک شدن آتش و به عیسی کلماتی را که به وسیله آن مرده ها را زنده می‌کرد، عطا فرمود و به من علی را عطا نمود. برای هر پیامبر نشانه‌ای است و این شخص علی نشانه و معجزه پروردگار می‌باشد...

عمل صالح یعنی هر کار درست و نیکو، مفهومی است که مصادیق بسیاری دارد. در قرآن این ترکیب، در اصطلاح خاصی به کار رفته و از جایگاه ویژه‌ای نیز برخوردار است. اگر اسلام را در دو مؤلفه اصلی و اساسی بخواهیم تعریف و تحدید کنیم یکی از دو مؤلفه اصلی را شکل خواهد داد. به این معنا که اسلام بر دو مؤلفه اصلی ایمان به حق و عمل صالح شکل می‌گیرد. مسلمان و مؤمن کسی است که دردل به حق ایمان و باور داشته باشد و در عمل کارهای درست و نیکو انجام دهد. از این رو، ایمان توحیدی و عمل صالح را دو بال پرواز انسانیت دانسته‌اند و قرآن عمل صالح را در کنار کلمه طیب (حق) به عنوان بالابر یاد می‌کند. (فاطر / ۱۰) و تنها کسانی را رستگار و موفق می‌شمارد که توانسته‌اند دارای ایمان و عمل صالح اند و غیر ایشان کسانی هستند که از سرمایه اصلی زیان داده‌اند و جزو زیانکاران و اهل خسران می‌باشند. (عصر / ۲ و ۳)

اصل بنیادین صداقت و عمل صالح خود شامل: اصل سعی و تلاش؛ اصل وجدان کار؛ اصل پشتکار؛ اصل کارائی و مهارت؛



اصل بهره برداری از امکانات؛ اصل اکتساب حلال؛ اصل ایمان و عمل صالح؛ اصل نظم؛ اصل پاسخگوئی به نیاز؛ اصل تقوی و اصل صدق نیت می گردد. (علی احمدی و علی احمدی ۱۳۸۳: ۱۲۵).

اصل تعاون، همکاری و مشارکت

توسعه تعاون عمومی بین مردم و تحکیم برادری اسلامی بر اساس بند پانزدهم اصل سوم قانون اساسی از وظایف اصلی در حوزه فرهنگی است؛

واژه تعاون به معنای یکدیگر را یاری کردن و همیاری نمودن است این که انسان برای تأمین سعادت خود در زندگی و وصول به کمال نیازهایی دارد که به تنهایی نمی تواند آن‌ها را برآورده سازد در آثار اندیشمندان به کرات مشاهده می شود چراکه تفاوت‌های افراد جامعه از نظر توانایی های جسمی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جز این‌ها نیز اقتضا دارد که در ابعاد گوناگون زندگی یاور یکدیگر باشند؛ بنابراین اساس اجتماع مدنی تعاون و همکاری و مبادله منافع است. لذا در ادبیات دینی بر مقوله همکاری و همیاری در مسیر حق تأکید و سفارش ویژه‌ای شده است. به عنوان نمونه در آیه ۲ سوره مبارکه مائده بر همکاری در مسیر انجام نیکی و تحقق تقوای الهی سفارش و از همکاری در مسیر گناه و نافرمانی خداوند پرهیز داده شده است. ۱ برخی مفسران با ارائه مفهومی وسیع از آیه، مراد این آیه را هموار ساختن راه خیر و نیکی و بستن راه شرارت و دشمنی دانسته‌اند. ۲ علاوه بر قرآن کریم در روایات نیز درباره تعاون عمومی و برادری تأکیدات ویژه ای شده است؛ به نحوی که تعاون مؤمنان با یکدیگر از پایه های برادری دینی شناخته شده و پیشوایان دین بر ضرورت آن تأکید کرده‌اند. بنابر احادیث، اثر مهم تعاون عمومی، رسیدن خیر به امت اسلامی است و از جمله اثر عدم تعاون، سلطه جویی برخی بر برخی دیگر و از میان رفتن برکات است.

اصل بنیادین تعاون، همکاری و مشارکت خود شامل: اصل محبت و نوع دوستی، اصل خیر خواهی، اصل مشارکت و همکاری، اصل مسئولیت پذیری؛ اصل تقسیم کار بر اساس وسع کارگزاران؛ اصل اعتماد به دیگران؛ اصل کار گروهی؛ اصل ایثار؛ اصل احسان؛ اصل اصلاح طلبی؛ و افساد زدایی؛ اصل امر به معروف و نهی از منکر؛ اصل کار گشائی؛ اصل نصیحت و انتقاد. (علی احمدی و علی احمدی ۱۳۸۳: ۱۲۶)

اصل قسط و عدل و رعایت حقوق ذوی الحقوق و ذینفعان

از جمله اهداف نظام جمهوری اسلامی تحقق قسط و عدل در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می باشد. این که آیا قیود استقلال «به قسط و عدل نیز عطف می شود یا تنها مربوط به واژه» اجتماعی و فرهنگی اقتصادی است؛ با نظر به خود متن قابل فهم نیست و از این جهت این قسمت از اصل دوم دارای ابهام است؛ اما با استفاده از بیانات نایب رئیس مجلس بررسی نهایی قانون اساسی به عنوان قرینه ای برای فهم مراد قانونگذار اساسی قیود مذکور هم مربوط به قسط و عدل است و هم مربوط به استقلال. (مشروح مذاکرات مجلس، ۱۳۵۸: ۱۲۱)

مقصود از عدل آن است که در عرصه حکومت حق هر یک از آحاد جامعه به وی داده شود چنان که امیرالمؤمنین علی علیه السلام که دوره کوتاه مدت حکومت خود را بر پایه عدل نهاده بود اولین اقدام از تصدی خلافت را بازگرداندن اموال به ناحق بخشیده شده است. پاره‌ای از مصادیق قسط و عدل در عرصه‌های اجتماعی عبارت‌اند از:



- **قسط و عدل اقتصادی:** عدالت اقتصادی از مهم‌ترین جلوه‌های عدالت در نظام سیاسی اسلام است که هم در قرآن کریم بسیار مورد تأکید قرار گرفته است و هم در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علی‌علیه السلام مشاهده می‌شود.
- **قسط و عدل سیاسی:** یکی از مظاهر قسط و عدل سیاسی امکان دستیابی برابر به مناصب سیاسی بدون تبعیض است. شرایطی که برای تصدی مناصب با توجه به آموزه‌های قرآنی و روایی می‌توان بیان کرد شایستگی علمی، شایستگی اخلاقی و شایستگی مدیریتی است.
- **قسط و عدل فرهنگی و اجتماعی:** یکی دیگر از ابعاد عدالت، عدالت در عرصه فرهنگی و اجتماعی است که از جمله زمینه‌های آن می‌توان به حق تعلیم و تربیت و بهره‌مندی از آموزش و پرورش عادلانه را ذکر نمود. از این رو در قانونگذاری اصول متعددی بر مسئله علم و لزوم آموزش و پرورش برای همگان تأکید کرد. به‌عنوان نمونه در بند سوم اصل سوم، دولت جمهوری اسلامی ایران مکلف به تأمین آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح شده است و نیز در اصل سی ام قانون اساسی برای تسهیل و تعمیم آموزش عمومی، دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد.

اصل بنیادین قسط و عدل و رعایت حقوق ذوی الحقوق و ذینفعان خود شامل: اصل رعایت حقوق دیگران؛ اصل رعایت محیط زیست؛ اصل ظلم ستیزی؛ اصل عدالت جوئی؛ اصل قانونگرایی؛ اصل اطاعت از خداوند؛ اصل اطاعت از ولایت؛ اصل تکلیف و وظیفه محوری؛ اصل شایسته سالاری؛ اصل حرمت ربا. (علی احمدی و علی احمدی ۱۳۸۳: ۱۲۶)

اصل رعایت عهد و امانت

یکی از ارکان مهم در صلاحیت کارگزاران، امانت داری است. قرآن کریم در آیات فراوانی به مقوله امین بودن توجه نموده است و تأکید نموده که کار را به دست کسی بدهید که امین و مورد اعتماد باشد. (نمل/۳۹؛ قصص/۲۶)

مسئولیت در فرهنگ اسلامی، نوعی امانت است که از طرف خداوند و مردم به کارگزار سپرده می‌شود تا نهایت سعی خویش را در انجام وظیفه بنماید.

حضرت علی (ع) در نامه ای به اشعث بن قیس، والی آذربایجان می‌نویسد: «بی گمان کاری که به تو سپرده شده، نه لقمه ای چرب و نرم، بلکه امانتی است برگردنت.» و همچنین می‌فرماید: «به یقین بزرگ‌ترین خیانت، خیانت به ملت است.»

از این بیانات و تأکیدات قرآن کریم مشخص می‌شود که کارگزار حکومت اسلامی باید امین بیت المال، جان و ناموس مردم باشد و مسئولیت، فقط امانت است و برگزیدگان ملت و نمایندگان ایشان در تمام پست‌های حکومتی از اجرایی تا قانون گذاری و نظارت، باید پاسخ گوی ملت باشند.

عملکرد یوسف (ع) در دوران فرزندخواندگی او در اندرونی قصر عزیز و عدم خیانت به عزیز در قضیه طمع زلیخا، نمونه ای از امانت داری و عدم خیانت یوسف (ع) است. یوسف (ع) در پی کشف واقعیت گفت: من از آن روی فرستاده پادشاه را بازگرداندم و بازجویی از زنان را درخواست کردم که عزیز مصر بداند من در نهان به او خیانت نکردم و بداند که خدا نیرنگ خیانتکاران را به نتیجه نمی‌رساند. (یوسف/۵۲) از این رو پادشاه چون با یوسف (ع) سخن گفت و بر ویژگی‌های او اطلاع یافت و او را امینی خوب برای خویش دانست، او را به‌عنوان مشاور خود انتخاب کرد که «انک الیوم مکین امین».



(یوسف/۵۴)

با این بینش «امانت» افتخار مسئول در نظام اسلامی خدمتگزاری مردم است آن چنان که امام راحل این فرزند شایسته مولا علی (ع) می‌فرمود: به من خدمتگزار بگوئید بهتر از آن است که «رهبر» بگوئید! وقتی بینش کارگزار حکومت اسلامی این‌گونه شد که «مسئولیت» «امانتی» است که برای خدمت به مردم به او واگذار شده است، مردم را «ارباب» خود می‌داند نه خود را «ارباب» آن‌ها. در برابر آن‌ها متواضع و فروتن است و برخورد مردمی با آن‌ها دارد، ولی آن گاه که مسئولیت را لقمه چرب دید تا وقتی به تکریم مردم می‌پردازد که بتواند بر گرده آن‌ها سوار شود و آن گاه که به کام خویش رسید، با مردم دیکتاتور مآبانه برخورد می‌کند. مولا علی (ع) خود انسانی ترین برخورد را با مردم داشت و به معنای دقیق کلمه «خدمتگزار» بندگان خدا بود. او آن چنان بود که صاحبان حاجت بدون تکلف به حضرت دسترسی داشته و عرض حال می‌کردند. حضرت همین سفارش را به کارگزاران خویش داشت.

در عهد نامه مالک اشتر چنین آمده است:

... واشعر قلبک الرحمه للرحیه والمحبه لهم و اللطف بهم و لاتکون علیهم سبعا ضاریا تغتتم اکلهم فانهم صنفان اما اخ لک فی الدین او نظیر لک فی الخلق... و دلت را سرا پرده رحمت به بندگان خدا و محبت و لطف به آنان ساز و همانند درنده نسبت به آنان مباش که خوردن آنان را غنیمت شماری! زیرا «رعیت» (مردمی که در پوشش حکومت اند) بر دو گروه اند یا برادر دینی تواند و یا انسان‌هایی همانند تو ...

و سپس مالک را از برخورد دیکتاتور مآبانه نسبت به مردم منع می‌کند و می‌فرماید:

...لاتقولن انی مؤمر آمر فاطاع فان ذلک ادغال فی القلب و منهکه للدين و تقرب من الغیر ... و هرگز مگو که من مامورم و بر اوضاع مسلط! امر می‌کنم و باید اطاعت شوم! (برخورد دیکتاتور منشانه با مردم نداشته باش) که این موجب خرابی دل و دین و زمینه ساز دگرگونی (برخورد مردمی) خواهد شد ...

با بینش «امانت» دیگر جایی برای برخوردهای دیکتاتور مآبانه باقی نمی‌ماند، چراکه مردم صاحب امانت اند و ارباب رجوع! مسئول هرچه دارد از آنان دارد؟ دیگر دیکتاتوری معنا نخواهد داشت.

اصل بنیادین رعایت عهد و امانت خود شامل: اصل سعی و عمل صالح؛ اصل وفای به عهد؛ اصل امانتداری؛ اصل رازداری؛ اصل خوش قولی؛ اصل پایبندی به قراردادهای؛ اصل عمل به تکالیف الهی؛ اصل مسولیت پذیری. (علی احمدی و علی احمدی

(۱۳۸۳:۱۲۶)

اصل اقتدار و عظمت نظام اسلامی

نفی سلطه و عزت مداری در روابط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی از اصول مهم روابط خارجی حکومت اسلامی است؛ بر اساس آیات قرآن کریم دشمنان دین به خصوص کفار از هر موقعیتی برای جلوگیری از نشر اسلام و تهدید کیان اسلامی و در نهایت سلطه کامل خود استفاده می‌کنند.

مهم‌ترین آیه قرآن کریم که در نفی سلطه و عزت مداری مسلمانان بیان شده است، آیه ۱۴۱ سوره نساء خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» است



علاوه بر آیه شریفه، فقها برای اثبات قاعده نفی سبیل به حدیثی از پیامبر (ص) استناد کرده‌اند که فرموده‌اند: «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه».

از این رو حکومت اسلامی موظف است در روابط خارجی خویش به شکلی عمل کند که عزت مسلمانان حفظ شود و از نفوذ و سلطه اجانب بر کیان اسلامی جلوگیری کند و در حقیقت این اصل از ظلمی که کفار در قالب استعمار متوجه کشورهای مسلمان مظلوم و مستضعف می‌کنند، جلوگیری می‌کند و این همان وظیفه ای است که بر اساس بند پنجم ۱ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر عهده دولت اسلامی واگذار شده است. علاوه بر اصل سوم قانون اساسی، مبارزه با سلطه جویی و عزت مداری به عنوان یکی از اصول مهم سیاست خارجی در اصل ۱۵۲ و اصل ۱۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز بیان شده و در فصل چهارم قانون اساسی که مربوط به اقتصاد و امور مالی است، یکی از ضوابط اقتصاد جمهوری اسلامی ایران را جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانگان بر اقتصاد کشور بیان کرده است.

اصل بنیادین اقتدار و عظمت نظام اسلامی خود شامل: اصل رعایت اقتدار؛ اصل هماهنگی؛ اصل نظم؛ اصل هدفداری؛ اصل حفظ نظام؛ اصل پایبندی به قوانین؛ اصل امر به معروف و نهی از منکر؛ اصل مشارکت مردم؛ اصل ولایتمداری؛ اصل مشروعیت؛ اصل مقبولیت؛ اصل کارائی؛ اصل استقلال سیاسی؛ اصل نفی سبیل؛ اصل عدالت و ظلم ستیزی؛ اصل بهبود مستمر؛ اصل خدامحوری؛ اصل رفع نیاز مردم؛ اصل خود اتکائی اقتصادی.

اصل وحدت، اخوت و برادری، گذشت و بردباری و مهرورزی

برادری اصطلاحاً به پیوند نسبی میان دو تن اعم از زن و مرد و با توسعه معنایی به پیوند عمیق دینی و عاطفی اطلاق می‌شود. قرآن کریم برای ایجاد روح دوستی و همبستگی بین مسلمانان و در جامعه دینی آنان را برادر یکدیگر خطاب کرده است

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ مؤمنان برادر یکدیگرند پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید. (حجرات / ۱۲)

در احادیث نیز به بیان اهمیت و جنبه‌های گوناگون برادری اشاره شده است؛ از جمله این که از برادران دینی همانند دو دستی که همدیگر را می‌شوبند تعبیر شده یا به منزله دو چشم که هرگز به همدیگر خیانت نمی‌کنند آمده است

اسلام با دعوت به اتحاد و اتفاق و تشکیل یک اجتماع اسلامی بر مبنای وحدت و بهم پیوستگی آنان را به یک زندگی شرفتمندانه فرا می‌خواند. هدف تربیت در اسلام این است که روح تبعیض و نابرابری از بین برود و مردم به وحدت واقعی برسند. حتی فلسفه عبادات جمعی از قبیل نماز جماعت، نماز جمعه و حج برای ایجاد روح برادری است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که منبعث از احکام و دستورات الهی است، جامعه‌ای را با عنوان امت، فارغ از مرزهای مادی و شکل ترسیم می‌کند و همه اشخاص آن را اعم از حقیقی و حقوقی نسبت به سرنوشت یکدیگر متعهد مینماید.

این تعهد به اندازهای بنیادین و مبنایی است که اعضای جامعه اسلامی، رسماً با یکدیگر برادر می‌شوند. این برادری دینی، سنگ بنای ایجاد امت واحده است و آیه شریفه «ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون» نیز به این یگانگی فکری اشاره می‌کند.

جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.



اصل بنیادین وحدت، اخوت و برادری، گذشت و بردباری و مهرورزی خود شامل: اصل مهرورزی؛ اصل برادری؛ اصل اخوت؛ اصل گذشت و ایثار؛ اصل بردباری و صبر؛ اصل اغماز؛ اصل وحدت؛ اصل دوستی؛ اصل مشکل گشائی و

اصل توازن و اعتدال

هر حرکت و فعل تربیتی باید بر اعتدال استوار باشد و از حد وسط بیرون نرود و به افراط و تفریط کشیده نشود تا حرکت و فعلی مطلوب باشد. آیین تربیتی دین به اعتدال در هر امری فرا می خواند و مجموعه قوانین و مقررات و آداب دینی به گونه ای است که انسان متعادل تربیت شوند. خدای متعال امت اسلامی را امتی متعادل و با هویت معرفی می کند و نمونه ای را که این امت باید خود را با او تطبیق دهد و در پی او رود، پیامبر اکرم (ص) معرفی می نماید. «وَكَلَّاكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّهَ وَسَطًا لِنَتَّوَنُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولَ عَلَيْكُمْ الشَّهِيدًا» (بقره / ۱۴۳) امت میانه یعنی امتی که در هیچ امری از امور، خواه نظری و خواه عملی، افراط و تفریط نمی کند و همه برنامه هایش در حد اعتدال است. عدالت و برابری که در قرآن به قسط تعبیر شده است از جمله اهداف تربیت اسلامی است. قرآن به پیامبر (ص) خطاب می کند و می گوید:

«قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ» (اعراف / ۲۹) بگو که پروردگار من امر به عدالت کرده است.

به مومنین دستور داده است که:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ» (نساء / ۱۳۵) ای کسانی که ایمان آورده اید در بپا داشتن و اقامه عدالت و برابری بکوشید و گواه و شاهدهی بر خدا باشید و همان گونه که خدا عادل است شما هم با اجرای عدالت شاهد و گواهی بر او باشید. در اسلام رعایت عدالت و اقامه قسط با احسان و نیکی توأم است.

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ» خداوند به عدل و نیکی کردن و بخشش و خویشاوندان امر می کند. قرآن مردم را به تعاون و همکاری در کار خیر و داشتن تقوی دعوت می کند و می گوید:

«وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده / ۲) و در گناه و ستم همکاری نکنید

ارزش هر صفتی در میانه روی در آن است هرگونه افراط یا تفریط، موجب می شود عنوان ممدوح و پسندیده بودن از یک صفت سلب گردد و عنوان نکوهیده و رذیله بر آن اطلاق شود. صفات نیکو تا زمانی آثار پسندیده به دنبال دارد و برای جامعه سودمند است که از حد اعتدال خارج نشود. در غیر این صورت نتایج سوء و زیانباری بر آن مترتب خواهد گردید. از این رو افراط در بخشش، به تبذیر، زیاده روی در فروتنی، به نلت و خواری و افراط در بزرگ منشی، به کبر و خشم بر اطرافیان منجر می شود. (رسائل، ج ۱، ص ۸۴) در زمینه افعال نیز، شخص، باید اعتدال را نصب العین خویش قرار دهد، مثلاً در معاشرت با دوستان از افراط و تفریط بپرهیزد، زیرا زیاده روی در انس گرفتن و شوخی، از قدر و منزلت فرد نزد دوستانش می کاهد و حتی گاهی ملامت و دلسردی، جایگزین محبت و دوستی شده، باعث می شود شخص به دوستان بد گرفتار آید. در مقابل چنانچه در این امر سستی ورزد و به مدت طولانی از ملاقات و ارتباط با دیگران اجتناب کند، محبت و علاقه کاهش می یابد و شخص دوستان خود را از دست می دهد و آن ها را از اطراف خویش پراکنده می سازد. به طور کلی، اعتدال و رعایت حد وسط، خصوصیت تربیتی امت اسلام به شما رفته است. اصل اعتدال در جامعه نه تنها فرصتهای برابر را به وجود می آورد بلکه هر نوع تبعیض و اندیشه طبقاتی را از بین می برد. وقتی ایمان، تقوی، علم و مجاهدت در راه خدا معیار و ملاک ارزش و فضیلت باشد هر فردی برای کسب این فضایل تلاش می کند و جامعه ای مؤمن و متقی و آگاه و کوشا

به وجودی می‌آید.

اصل بنیادین توازن و اعتدال خود شامل: اصل میانه روی؛ اصل امانتداری؛ اصل قناعت (دوری از اسراف) اصل زهد؛ اصل عفاف؛ اصل وفای به عهد. (علی احمدی و علی احمدی ۱۳۸۳: ۱۲۶)

اصل رعایت مصالح و اولویتها

اصولاً با مطالعه و بررسی دقیق قانون اساسی جمهوری اسلامی در طی دو مرحله تدوین و بازنگری، می‌توان اولویتهایی را به شرح ذیل برشمرد:

الف - در جامعه‌شناسی سیاسی، نظم سیاسی و راهکارهای تحقق آن، شناخت موانع و ابزارهای اختلال نظم سیاسی از مباحث عمده به شمار می‌آیند. قانون اساسی عاملی است در نظم دهی به مناسبات اجتماعی و سیاسی و ضامن و حامی نظم سیاسی می‌باشد. قابل ذکر است که انتظام ملی در چارچوب قانون اساسی در سایه نظام سیاسی کارآمد تحقق می‌یابد، لذا جمهوری اسلامی تنها راه تحقق احکام نورانی اسلام و ایجاد نظم در جامعه را بر اساس عمل به قانون اساسی در سایه نظارت ولایت فقیه به‌عنوان رکن و محور نظام سیاسی ایران عملی می‌داند.

ب - اولویت دیگر قانون اساسی تأکید بر احقاق حقوق مردم و رعایت اصل آزادی است. توضیح اینکه مردم در عرصه‌های مختلف اجتماعی از آزادیهای تعیین‌شده در چارچوب قانون اساسی بهره‌مند و منطبق با اصول قانون اساسی باید محترم شمرده شود. تعیین حد و مرز آزادی قانون اساسی است و آزادی که محل به مبانی اسلام و حقوق عمومی مردم نباشد مشروع شمرده شده است.

ج - از اولویتهای مهم قانون اساسی حفظ اصول و مبانی الهی نظام اسلامی است. برای حفظ مبانی و اصولی که نظام اسلامی بر آن مستقر است قانون اساسی باید معتبر شناخته شود و به‌عنوان امری محترم و مقدس در جامعه تلقی شود. چراکه در قانون اساسی مسائلی چون شیوه حکومت اسلامی، اصول اقتصادی، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ترسیم گردیده است. بر این اساس است که مقام رهبری ایه یا الله خامنه‌ای در رابطه با جایگاه والای قانون اساسی آن را تبلور تجسم انقلاب معرفی می‌کند.

د - امنیت در چارچوب قانون اساسی که حق مردم و حد دولت را تعیین می‌کند از جمله اولویتهای قانون اساسی است. استمرار حیات سیاسی - اجتماعی جامعه‌ی اسلامی درون حریم امنیت در چارچوب قانون اساسی قابل تحقق است. مبنای قانون اساسی نظام هماهنگی است که در آن حدود و تکالیف به رسمیت شناخته می‌شود و هر حق و حد و تکلیفی در این چارچوب معنی پیدا می‌کند.

از آنجاکه بین امنیت اجتماعی و قانون‌مندی جامعه همبستگی وجود دارد، ایفای نقش قانون اساسی در تعیین حق و تکلیف مردم در قبال دولت و درون جامعه جهت تحقق امنیت بسیار حائز اهمیت است. قانونمندی یعنی ایجاد امنیت یعنی همه مردم حق خودشان را بشناسند و به آن نائل آیند و حکومتها نیز موظف باشند که حق مردم را ادا بکنند و در چارچوب قانون اساسی ادای تکلیف نمایند. برقراری امنیت یعنی استقرار همه جانبه قانون اساسی در جامعه. امنیت در جامعه‌ی اسلامی ایران منوط است به اینکه هم قانون اساسی و هم قوانین دیگر باید با اسلام و موازین اسلامی سازگار باشند و در خود قانون اساسی ساز و کار این سازگاری تعبیه شده است.

د - قانون اساسی مبنای تعیین بینش اسلامی در باب حکومت و حکومتداری است، این قانون اهداف را مشخص می‌نماید و



تکلیف ها را مشخص می‌کند. قانون اساسی حق جامعه و افراد را مشخص می‌کند. لذا اولاً نمی‌توان بیش از تکلیفی که قانون اساسی برای مردم معین کرده است از آن‌ها خواسته شود. ثانیاً حد و اختیار حکومت و دولت در حدی است که قانون اساسی تعیین می‌نماید و باید مورد احترام و قبول جامعه قرار گیرد. مطالبات مردم در چارچوب قانون اساسی، حدود اختیارات دولت در اجرای وظیفه از اولویتهای قانون اساسی است.

۵ - قانون اساسی به مسائل فرامرزی به همان اندازه بها باید بدهد که به مسائل درونی. در واقع قانون اساسی جمهوری اسلامی نباید تنها به منافع ملی توجه نماید بلکه مصالح بشری را نیز باید در بطن خویش داشته باشد. بر این اساس است که قانون اساسی به نحو چشمگیری به موضوعات ارزشی نظام بین‌المللی با نظری مثبت نگریسته است
اصل بنیادین رعایت مصالح و اولویتهای خود شامل: اصل دفع افسد به فاسد؛ اصل رعایا اقتضاء؛ اصل مصلحت گرائی؛ اصل تغییر؛ اصل تقدم اهم بر مهم؛ اصل ریسک پذیری (خطر)؛ اصل هدف داری؛ اصل رعایت اقتدار؛ اصل افزایش بهره وری؛ اصل فلاح و رستگاری انسان؛ اصل هماهنگی و اصل نظم. (علی احمدی و علی احمدی ۱۳۸۳: ۱۲۶)

اصل فطرت مداری، کرامت و عظمت انسانی

از وظایف سیاسی حکومت اسلامی، حفظ حرمت و کرامت انسانی است؛ در قرآن کریم در آیات فراوانی به مسئله کرامت انسانی توجه شده است. از مهم‌ترین این آیات می‌توان به آیه ۷۲ سوره اسراء اشاره نمود؛ علامه طباطبایی در توضیح این آیه ضمن بیان فرق تکریم با تفضیل معتقد است از آن جایی که سیاق آیات منت توأم با عتاب است این آیه بیان حال جنس بشر است و لذا شامل کفار و مشرکین نیز می‌شود چراکه اگر مقصود از آن انسانهای خوب و مطیع بود عتاب آن‌ها معنا نمی‌داشت.

با این وصف مشخص می‌شود کرامت مورد بحث در این آیه تنها از آن مسلمانان و مؤمنان نیست و از این‌رو در منطق قرآنی انسانهای کافر و مشرک نیز به جهت دارا بودن عقل از کرامت مدنظر در این آیه برخوردارند. از پایه های اصلی حفظ کرامت انسانی در قرآن کریم اصل برابری است. مراد از برابری، تساوی همه افراد در استفاده از موهبتها و نعمت‌های الهی مثل حق حیات و سایر حقوق و نیازهای اولیه انسانی است. از نظر قرآن کریم، انسان‌ها به حسب گوهر و ذات با هم برابرند و ملاک برتری و کسب کرامت اکتسابی به داشتن ورع و تقواست.

قانون اساسی در بند ششم با توجه به این مبانی انسان آرمانی را دارای سه شاخصه زیر معرفی کرده است
نکته اول این است که انسان از منظر قانون اساسی دارای کرامت است. به این معنی که انسان خلاصه موجودات و اشرف آن‌ها بوده و گوهری نهفته در وجود او به امانت گذارده شده است که دیگر موجودات از آن بی بهره اند.

نکته دوم انسان از منظر قانون اساسی این است که وی آزاد است اما آزادی وی با مسئولیت او در برابر خداوند متعال همراه است. آنچه در توضیح این ویژگی اهمیت دارد این است که آزادی در منظومه معارف اسلامی موهبتی است که خداوند به انسان عطا کرده است؛ و منظور از آن نیز رفع موانع موجود در راه رشد و کمال انسان است از آنجایی که آزادی انسان از سوی خداوند به وی عطا شده است محدودیت های وارد بر آن نیز توسط خداوند معین می‌شود از این روست که قانون اساسی در ادامه مقرر کرده است انسان در عین آزادی در برابر خداوند مسئول است.

اصل بنیادین فطرت مداری، کرامت و عظمت انسانی خود شامل: اصل عزت نفس؛ اصل کرامت انسانی؛ اصل شرافت؛ اصل زیبایی دوستی؛ اصل حقیقت جوئی؛ اصل کنجکاوی؛ اصل کمال جوئی؛ اصل خلیفه الهی؛ اصل حب ذات...

جمع‌بندی نقش ارزشهای بنیادین اسلامی در فعالیتهای مدیریتی

نقش ارزش‌های اسلامی در فرایند طرح‌ریزی راهبردی مبتنی بر یازده اصل بررسی شده در این بخش در قالب جدول ۱

ارائه شده است. بدیهی است که مصادیق اصول به موارد ارائه شده در این تحقیق ختم نمی شوند. (علی احمدی و دیگران، ۳۰۵:۱۳۹۴)

جدول ۱: جدول راهنمای پرتوافکنی مصادیق ارزش‌های بنیادین چشم‌انداز موعود در هر یک از مراحل فرایند طرح‌ریزی تا پیاده‌سازی استراتژی‌ها و برنامه‌ها در سطح ملی

مراحل فرایند طرح‌ریزی تا اجرا ← ارزش‌های اساسی ↓	سیاستگذاری عمومی	ارکان جهت‌ساز	تحلیل محیط خارجی	تحلیل قوت‌ها و ضعف‌ها در عرصه‌های موردنظر		ارکان جهت‌ساز	انتخاب استراتژی‌ها و برنامه‌های بلندمدت تا کوتاه‌مدت	مقدمات پیاده‌سازی و اجرای برنامه‌ها		ارزیابی و کنترل
				برنامه‌ریزی	ارزیابی قوت‌ها و ضعف‌های سیستمی، انسانی - فضایی و ردایلی اخلاقی			برنامه‌ریزی	اهداف کیفی و جهت تحولات (در عرصه موردنظر)	
مراحل فرایند طرح‌ریزی تا اجرا ← ارزش‌های اساسی ↓	سیاستگذاری (بایدها و نیایدهای حاکمیتی)	رسالت و مأموریت اجتماعی دولت	تحلیل گفتمان، آسیب شناسی محیطی و تحلیل فرهنگ عمومی (و فرهنگ سازمان‌های دولتی در سطح ملی)	ارزیابی قوت‌ها و ضعف‌های سیستمی، انسانی - فضایی و ردایلی اخلاقی	ارزیابی قوت‌ها و ضعف‌های سیستمی، انسانی - فضایی و ردایلی اخلاقی	اهداف کیفی و جهت تحولات (در عرصه موردنظر)	تعیین مسیر اصلی حرکت و راهبردها (دکترین) و فعالیت‌های کاری (برنامه‌ها در عرصه موردنظر)	ویژگی‌های مدیران ملکی و رهبران اجتماعی	معیارهای تصمیم‌گیری اجرایی	معیارها و شاخص‌های نظارت، ارزیابی و کنترل و عبرت‌آموزی از عملکرد (در عرصه موردنظر)
اصل ایمان و غیب محوری	اطاعت از ولی فقیه	حاکمیت احکام شریعت اسلامی	پرهیز از گناه در محضر خدا قاعده نفی سبیل در حاکمیت جهانی	تدوین قوانین و مقررات بر مبنای آموزه‌های اسلامی	«اعتلای معنویت» «نیت الهی در هدف گذاری و تعیین ارکان جهت‌ساز»	عمل به تکلیف الهی در راستای نتیجه‌گرایی	عاقبت‌اندیشی در انتخاب اقدامات و فعالیت‌ها جهاد فی سبیل الله	ایثارگری رهبران مدیران و رهبران جامعه	مطابقت با موازین شرعی	آخرت‌گرایی (دنیای مزرعه آخرت) و پرهیز از دنیا پرستی آینده‌نگری در عین حال نگرایی
مبارزه با نظام استکبار جهانی و طاغوت	مبارزه با نظام استکبار جهانی و طاغوت	«اقامه نماز» «پرداخت حقوق مالی الهی (زکات، خمس، صدقه، انفاق، ...)	گرامیداشت ایام الله	تاسیس نهادهای نظام اسلامی	غیب باوری و معادگرایی در رفتارها	توکل و باور به امدادهای غیبی در همسویی جامعه با اهداف خالق هستی	توکل به خداوند، شکرگزاری و خدائرسی	آمر به معروف و ناهی از منکر	نافع بودن برای جامعه بشری	«امر به معروف و نهی از منکر» «خودکنترلی و پرهیز از اعمال لغو و بیبوده فردی، سازمانی و اجتماعی»
اصل آگاهی و بصیرت	آرمان‌گرایی واقع‌بینانه بر اساس شناخت ارزش‌های الهی و واقعیت‌های اجتماعی	تعلیم و تربیت آحاد جامعه و یادگیری و بصورت مستمر در طول مراحل عمر انسان‌ها در راستای قرب الهی «تولید و ترویج دانش نافع بشری»	جلوگیری از پخش شایعات و نشت اطلاعاتی نهادهای چشم‌انداز آرمانی در فرهنگ عمومی و گفتمان غالب	سازمان‌های هوشمند و یادگیری	بلوغ اجتماعی مردم	ایستادگی و هم‌راستایی راهبردها با سنت‌های لاینفک الهی گذرا بودن فرصت‌ها و عدم جبران جبران ناپذیری فرصت‌های ازدست‌رفته در اثر اتخاذ استراتژی‌های ناصواب	بصیرت رهبران «پذیرش اشتباهات و جبران مافات»	شفافیت اطلاعات برای تصمیم‌گیری انتخاب گزینه‌های برتر از بین حداکثر گزینه‌های ممکن	اعمال کنترل بر مبنای شناخت عملکرد در مقایسه با برنامه‌ها شناخت میزان انحراف عملکرد از سنت‌های لاینفک الهی	



تبیین نقش ارزشهای اسلامی در احصای بخشی از پدیده‌ها و نبایدهای تحقق وظایف مدیریتی در سطح سازمان

۳	اصل صداقت و عمل صالح و استقامت در پیاده‌سازی و عمل به آن	ارائه اطلاعات صحیح به مردم و پرهیز از آمار غلط	تربیت افرادی صادق، صالح و متعهد به اسلام با تولید رزق حلال برای مردم	روح دروغ‌گویی در بین توده های مردم	طراحی سازوکارهای اداره امور به گونه‌ای که افراد مجبور به دروغ گویی و عمل ناصالح نشوند	پرهیز از دروغ‌گویی، شهادت ناحق، جعل اسناد	حسن صداقت و قبح کذب و دروغ	اجتناب از انتخاب استراژی‌هایی که تحقق آن‌ها مستلزم دروغ گویی و اعمال ناصالح است.	جلوگیری از انتصاب و عزل مدیران دروغگو	صداقت مدیران در همه شرایط	نقش صدیق و شفاف بودن در سخنگویی و اطلاع‌رسانی	حذف تصمیماتی که منجر به خلاف شرع و یا عدم صداقت می‌شود	شفافیت در ارزیابی عملکرد و جبران نقصان در گفتار و کردار		
	عمل به قوانین کشور و احکام اسلامی	عمل به قانون اساسی و چشم‌انداز کشور	شیوع دور زدن قوانین در بین جوانان	بالا بردن هزینه دروغ گویی و عمل بر خلاف قانون توسط دست‌اندرکاران	انجام واجبات الهی و پرهیز از محرمات	توسعه تقریر احکام اجتماعی	استقامت در تحقق راهبردها مبتنی بر استمرار صداقت و عمل صالح	جلوگیری از انتصاب مدیران غیر عامل به احکام و اخلاق اسلامی	مؤمن بودن مدیران	نقش ساده زیستی و دوری از تجملات	عمل به فرامین الهی و اسناد بالادستی	میزان پیگیری مستمر و استقامت برای تحقق برنامه‌ها و اقدامات			
۴	اصل تعاون، همکاری و مشارکت	تعاون بر نیکی و تقوا و پرهیز از تک روی در کشورداری	توسعه بخش تعاونی	توسعه کار جمعی	تعاون بر نیکی و تقوا و پرهیز از تک روی در کشورداری	توسعه فرهنگ کار تیمی	پرهیز از استبداد رای	همکاری بین سازمانی	توسعه شبکه ها و زنجیره های تولید تا توزیع	مشارکت و همکاری	توسعه محبت و مهرورزی	مشارکت و همکاری	توسعه کار جمعی	تعاون بر نیکی و تقوا و پرهیز از تک روی در کشورداری	مشارکت در گناهای مبارزه با جرم های سازمان دهی شده
	اصل قسط و عدل و رعایت حقوق ذوی الحقوق و ذینفعان	عدالت اجتماعی و برخورداری عادلانه از منابع، ثروت های عمومی و فرصت های تحصیلی و شغلی	پیشرفت همراه با عدالت و عمران و آبادانی ملک و سرزمین	مبارزه با فساد اخلاقی و بی عفتی	مبارزه با رشوه و فساد در محاکم دادگستری	مبارزه با ظالمان و دستگیری از مظلومین	کاهش اختلاف طبقاتی	انتخاب راهبردهایی که با رعایت حقوق ذوی الحقوق و ذینفعان و از جمله حقوق مردم منافاتی ندارد	اقامه عدل و رعایت نظم	عدالت رهبری، قضاوت، امام جمعه و جماعات	نقش ظلم ستیزی و دادگری اجتماعی	حذف گزینه های ناسازگار و مغایر با عدالت	فاصله دهک های درآمدی		
۵	مبارزه با تبعیض و بی عدالتی و برقراری تأمین اجتماعی فراگیر	مبارزه با فقر، تکاثر، اسراف و تبذیر	محرومیّت زدایی و	قانون‌نگرایی و انضباط اجتماعی	بازبینی قوانین و مقررات با رویه عدالت محوری	افزایش ضریب جینی	انتخاب راهبردهایی که با شیوه و سبک زندگی اسلامی ایرانی سازگارتر باشد.	حرمت ربا، مکاسب محرمه و تجاوز به حقوق عمومی و بیت‌المال مسلمان	روحیه حق جویی، عدالت محوری و قانون گرایی	برجسته کردن اسما، الهی در ...	انصاف در قیمت گذاری کالا و خدمات	ضریب جینی			
	اصل قسط و عدل و رعایت حقوق ذوی الحقوق و ذینفعان	عدالت اجتماعی و برخورداری عادلانه از منابع، ثروت های عمومی و فرصت های تحصیلی و شغلی	پیشرفت همراه با عدالت و عمران و آبادانی ملک و سرزمین	مبارزه با فساد اخلاقی و بی عفتی	مبارزه با رشوه و فساد در محاکم دادگستری	کاهش اختلاف طبقاتی	انتخاب راهبردهایی که با رعایت حقوق ذوی الحقوق و ذینفعان و از جمله حقوق مردم منافاتی ندارد	اقامه عدل و رعایت نظم	عدالت رهبری، قضاوت، امام جمعه و جماعات	نقش ظلم ستیزی و دادگری اجتماعی	حذف گزینه های ناسازگار و مغایر با عدالت	فاصله دهک های درآمدی			



تبیین نقش ارزشهای اسلامی در احصای بخشی از پدیده‌ها و نبایدهای تحقق وظایف مدیریتی در سطح سازمان

۸	اصل وحدت، اخوت و برادری، گذشت و بردباری و مهرورزی	تقریب مذاهب اسلامی و ادیان الهی پیشگیری از عوامل مخل وحدت اجتماعی و ایجاد تفرقه در صفوف مسلمین	«وحدت فرق و مذاهب اسلامی حول اسلام ناب محمدی (ص)» پناه گاه و مامن ستمدیدگان و مستضعفان عالم	ترویج گفتن انقلاب اسلامی و اسلام ناب محمدی در سطح جهان اسلام	شناسایی عوامل تفرقه افکن، نفوذی و ستون پنجم دشمن	پیشگیری از ایجاد عداوت، دشمنی، بغض و کینه بین آحاد جامعه	تولی بین مومنین و مسلمین و تبری از کفار و منافقین و ایادی نظام سلطه	ابتناء راهبردها بر اساس رویکرد شبکه های همکاری استراتژیک و پیمان‌های استراتژیک اولویت مبتنی بر راهبردهای هم افزایی و هم راستایی	عمل به احکام فردی و خانوادگی طبق دین و مذهب مردم	شخصیت مهرورز و وحدت بخش مدیران	ایفای نقش میانجی گری و برادری	تصمیم گیری گروهی رضایت عمومی ذینفعان	ارزیابی برنامه‌های اجتماعی بر مبنای میزان اثرگذاری در انسجام و همبستگی ملی
۹	اصل توازن و اعتدال	اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط	« ایجاد توازن در بازارهای عرضه و تقاضای کار، کالا، سرمایه، خدمات، پول، ارز، ... » مبارزه با فسادهای اقتصادی، مالی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی	شناسایی ناهنجاری‌ها	« شناسایی افراط و تفریط ها » ساختارهای متوازن توازن در حیطه سرپرستی مدیران « توازن در حیطه اختیارات و مسئولیت های مدیران	« ایجاد زمینه مساعد برای شکوفایی متوازن استعدادها و بروز رفتارهای متعادل » « آستانه تحمل پایین مردم توازن اختیار و مسئولیت مدیران	توازن عوامل محیطی و درون‌سازمانی در راستای حفظ نظام و فراروی دستاوردهای آن	رعایت اعتدال و میانه‌روی در فعالیت‌ها واقع بینی برنامه‌ها	رعایت انصاف، مروت و بی طرفی	میان‌روی در امور و تعدیل رفتارهای اجتماعی افراطی و تفریطی	کسب رضایت نسبی ذینفعان ضمن رعایت معیارهای بحرانی	رعایت استاندارد متوسط امور	
۱۰	اصل رعایت مصالح و اولویتها	تقدم اهم بر مهم در سیاست‌ها سیاستگذاری برای دفع افسد به فاسد پاسخگویی به تغییرات محیطی	پاسخگویی به نیازهای متغیر جامعه اسلامی اعمال رویکردهای مبتنی بر علم و فناوری	فرهنگ تغییر و ریسک پذیری فرزند زمان خویش بودن فرهنگ رعایت اولویت‌ها	اثربخشی مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین سیاست‌های نظام بر اساس اولویت‌ها و رعایت مصالح	تقدم مصالح ملی به منافع فردی، گروهی و بخشی فضایل اجتماعی خودسازی مقدم بر جامعه سازی	ابتناء استراتژی‌ها بر اساس مصالح عمومی مکروهات عمل به واجبات مقدم بر مستحبات	تقدم آخرت بر دنیای محدود و فانی در برنامه‌ریزی‌ها پرهیز از محرمات مقدم بر مکروهات عمل به واجبات مقدم بر مستحبات	اهمیت مدیران استراتژیک	نقش انتخابگری	اولویت‌بندی گزینه‌ها بر اساس اهداف و معیارها حل تعارض بین خواسته و منافع ذینفعان بر اساس شرع، عدالت و قانون	تقدم معیارهای شرعی بر عرفی	

۱۱	اصل فطرت مداری، کرامت و عظمت انسانی	ایجاد شرایط تعالی کرامت انسانی و رفع موانع رشد همگانی	«اعتلای کرامت انسانی در همه عرصه‌های اجتماعی » حاکمیت انسان کامل صالح بر روی زمین به‌عنوان خلیفه الهی » شکوفایی همه استعدادهای به ودیعت نهاده شده در آحاد مردم	مبارزه با عوامل مخل عزت و کرامت انسان‌ها در جامعه	ابتناء قوانین و مقررات بر کرامت و عزت انسان‌ها اصلاح ساختارها و روش‌ها به گونه‌ای که موجب عزت و کرامت آحاد جامعه شود	جلوگیری از عوامل مخرب فطرت پاک انسانی حفظ حیثه شخصی افراد و برقراری امنیت اخلاقی	اعتلای سطح فضایل اخلاقی مردم کاهش سطح رذایل اخلاقی جامعه حفظ فطرت و طینت پاک آحاد جامعه	«اولویت انتخاب راهبردهای اعتلا آفرین برای رشد و صیروت مردم » «ممنوعیت انتخاب راهبردهایی که مانع اعتلا و رشد مردم هستند	اجتناب از عواملی که به عزت و کرامت انسانی لطمه وارد کند	پیش‌گسوتی در خدمت‌گزاری به مردم	خودسازی و کسب مراتب قرب الی الله لازمه موفقیت در خدمت‌رسانی اثربخش به مردم	رعایت کرامت انسانی به‌عنوان یک فاکتور فطری	میزان کسب رضایت عمومی ضمن رعایت ارزش‌های انسانی اسلامی
----	--	---	---	--	---	--	--	--	---	---------------------------------------	--	--	--

نتیجه گیری

همانگونه که در جدول ۱ مشاهده می شود هریک از ارزشهای بنیادین اسلامی برای هدایت دست اندرکاران فعالیت های مدیریتی، بایدها و نبایدهایی را ارائه مینماید که جا دارد در تدوین استانداردهای بومی مدیریت اسلامی برای تحقق هریک از فعالیت های مدیریتی در سطح سازمانی مد نظر مجریان قرار گرفته و در اعمال مدیریت منابع انسانی در سازمان ها اهتمام کافی در آموزش آنها برای کارکنان و مدیران و سرپرستان به عمل آمده و همچنین در طراحی نظام پاداش دهی مورد توجه دست اندرکاران قرار گیرد. از طرف دیگر، این جدول راهنمایی های بسیار مفیدی برای انجام فعالیت های لازم برای برنامه ریزی راهبردی تا عملیاتی و نظارت و ارزیابی تا کنترل ارائه میدهد که می تواند راهنمای مفیدی برای مسئولین برنامه ریزی و کنترل باشد.

منابع

- قرآن کریم
- اسکات ریچارد (۱۳۸۷)، «نهادها و سازمان‌ها»، مترجم: مینا دده بیگی، انتشارات سمت.
- حسن بیگی، ابراهیم (۱۳۹۰): مدیریت راهبردی؛ انتشارات سمت
- رشاد، علی اکبر (۱۳۷۹)، دموکراسی قدسی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران
- رضائیان، علی (۱۳۸۷)، مبانی سازمان و مدیریت، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)،
- رضائیان، علی (۱۳۸۶)، اصول مدیریت؛ انتشارات سمت، چاپ پنجم.
- طباطبایی، جواد (۱۳۸۷)، زوال اندیشه سیاسی در ایران، نشر کویر.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۵)، المیزان، محمد باقر موسوی، دارالعلم، قم.
- علی احمدی، علیرضا؛ سلامت، وحیدرضا (۱۳۹۴)، طراحی رویکرد روش‌شناسانه فرایند برنامه‌ریزی راهبردی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و نظریه‌های کاربردی - بومی
- گزارش نهایی بازبینی‌شده چهارم - دانشگاه عالی دفاع ملی.
- علی احمدی، علیرضا؛ علی احمدی، حسین (۱۳۸۳)، مبانی و اصول مدیریت اسلامی، انتشارات تولید دانش، چاپ سوم.
- علی‌احمدی، علیرضا (۱۳۸۲) تبیین نقش نظام ارزشی در علوم تصمیم‌گیری مدیریت و مهندسی صنایع، شورای پژوهش‌های علمی کشور، شماره ثبت پروژه: ۵۲۴۷.
- مبینی دهکردی، علی؛ رباتی، آرزو (۱۳۹۱)، مدیریت راهبردی مبتنی بر ارزش در سطح سازمان، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال نوزدهم، شماره هفتاد.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴) مجموعه آثار (۲)، انتشارات صدرا، چاپ چهارم، تهران.
- نیک گهر عبدالحسین، ژولین فروند، (۱۳۸۳)، «جامعه‌شناسی ماکس وبر»، انتشارات توتیا.

پی نوشت ها

¹Carlisle

²Barnett & Karson